

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال هشتم، شماره سی‌ام، بهار ۱۳۹۵

ص ۱۳۸-۱۲۵

بررسی آسیب‌شناختی اجتماعی بالا رفتن سن ازدواج از دیدگاه دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه

مرضیه خیری^۱
دکتر مهدی حاجی آقا^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۷/۲

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۵/۶/۲۳

چکیده

هدف از انجام این تحقیق بررسی آسیب‌شناختی اجتماعی بالا رفتن سن ازدواج از دیدگاه دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه می‌باشد. جامعه‌آماري، دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه به تعداد ۴۶۳۱ نفر بوده و برای تحقیق مورد نظر، براساس فرمول کوکران، تعداد ۳۶۴ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. برای نمونه‌گیری از روش خوشه‌ای استفاده شد. ابزار تحقیق در این پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بود که اعتبار آن به صورت صوری و پایایی آن از طریق پیش‌آزمون و آلفای کرونباخ در مجموع ۰/۸۷ به دست آمد. طبق یافته‌ها، دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه عوامل تاثیرگذار بر بالا رفتن سن ازدواج را در درجه اول عوامل اجتماعی، دوم اقتصادی و سوم فرهنگی می‌دانند و متغیرهای سطح تحصیلات والدین و وضعیت اشتغال دانشجویان با مجموع عوامل سه‌گانه رابطه معناداری ندارد.

واژگان کلیدی: بالا رفتن سن ازدواج، عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی، عوامل فرهنگی.

مقدمه

از پیامدهای زندگی در جامعه امروزی، تغییر در شکل زندگی انسان است. انسان امروز در هر دو بعد فردی و جمعی، شیوه‌ای متفاوت از زندگی را انتخاب کرده است. یکی از این موارد، اختلاف در شیوه تشکیل بنیان خانواده است که این اختلاف هم دوران قبل از ازدواج و هم دوران پس از ازدواج را در بر می‌گیرد. زندگی مجردی در دنیای امروز، تنگناهای عرفی و اجتماعی نسل‌های پیشین را ندارد. حق انتخاب انسان‌ها در نحوه انتخاب همسر و روابط اجتماعی گسترده سبب شده، نیاز به ازدواج از یک ضرورت قطعی

E-mail: m.khiri933@yahoo.com

۱. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز- ایران.

۲. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه، گروه علوم اجتماعی؛ ارومیه- ایران.

به یک انتخاب رفتاری تقلیل یابد. اگر فرض ما بر این باشد که «ازدواج پیوند بین دو جنس بر پایه روابط پایای جنسی محسوب شود، ازدواج مستلزم انعقاد قراردادی اجتماعی است که مشروعیت روابط جسمانی را موجب‌گردد» (ساروخوانی، ۱۳۸۵: ۲۳). تعریف کارلسون نیز در مورد ازدواج چنین است: «ازدواج فرآیندی است که از کنش متقابل در دو فرد (یک زن و یک مرد) که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده‌اند و مراسمی جهت برگزاری زناشویی خود برپا داشته‌اند و به طور کلی عمل آنان مورد پذیرش قرار گرفته و ازدواج اطلاق شده‌است» (کارلسون^۱، ۱۹۶۳: ۶۳). تغییر در الگوی ازدواج، یکی از شاخصه‌های اصلی تغییرات اجتماعی و فرهنگی است. اگر شواهد، نشان‌دهنده کاهش بسیار در آمار ازدواج و افزایش آمار طلاق باشد، جامعه با فروپاشی خانواده و در نهایت نوع‌گرایی افراطی رو به رو خواهد شد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۹۹).

منظور از سن ازدواج سنی است که افراد در آن سن به زندگی زناشویی وارد می‌شوند. طبق بررسی‌های به عمل آمده، عوامل تعیین‌کننده سن ازدواج در زمان گذشته و حال تغییر یافته‌اند. در گذشته سن زنان در اولین ازدواج بستگی به نوسانات اقتصادی داشت (میشل، ۱۳۷۸: ۳۳).

بالا رفتن سن ازدواج، یعنی میزان عقب‌افتادن سن مطلوب ازدواج جوانان در جامعه، برحسب متغیرهای کمی سال‌ها و یا متغیرهای کیفی میزان تاخیر سن ازدواج (کم، متوسط، زیاد) قابل محاسبه و بررسی است (اسکندری، ۱۳۸۸: ۱۲). طبق اعلام مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، میانگین سن ازدواج برای پسران ۲۹ و دختران ۲۸ سال است. این اعداد و ارقام، از بالا بودن نامعقول سن تاهل خبر می‌دهد (رحیمی، ۱۳۹۳: ۴).

تأخیر ازدواج را هم می‌توان متغیری درون خانوادگی دانست و هم برون خانوادگی. از این جهت که عوامل درون خانوادگی مثل فرهنگ و دیدگاه خانواده، وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده و هم‌چنین عوامل برون خانواده، در واقع شرایط جامعه بر سن ازدواج تأثیر می‌گذارند (احمدی، ۱۳۸۹: ۲). توجه و اهمیت به مقوله ازدواج همواره مورد تأکید جامعه‌شناسان خصوصاً در حوزه مطالعات خانواده بوده و عدم تحقق آن در شرایط و زمان به هنگام، به دغدغه ذهنی و فکری مسئولین این حوزه تبدیل شده‌است. قطعاً بالا رفتن سن ازدواج عوامل و عواقب گوناگونی دارد. در کشور ما به دلیل جوانی جمعیت، در حال حاضر جوانان با مسایل مختلفی رو به رو هستند و مسایل و مشکلاتی که جوانان ما را احاطه کرده، باعث بالا رفتن سن ازدواج در کشور شده‌است و این زنگ خطری برای خانواده‌ها و دولت است که نیاز به بررسی جدی و رفع سریع این مشکل به ظاهر سطحی، اما در واقع خطرناک می‌باشد.

هدف اصلی در تحقیق حاضر، بررسی آسیب‌شناختی اجتماعی بالا رفتن سن ازدواج از دیدگاه دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه است.

¹ Karlson

عوامل اجتماعی

آسیب‌شناختی اجتماعی، عوامل ایجادکننده آسیب‌ها و آفت‌های اجتماعی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. کاربرد این دانش در حوزه مطالعات خانواده و خانواده‌شناسی یعنی، شناسایی عواملی که سلامت و استحکام خانواده را تهدید می‌کند و ازدواج موفق و پایدار را آسیب‌پذیر می‌سازد، می‌باشد (به‌پژوه، ۱۳۸۹: ۲۰).

یکی از عوامل مهمی که موجب بالا رفتن سن ازدواج می‌شود، ادامه تحصیلات است. جوانان ازدواج را با درس خواندن ناسازگار می‌دانند. به عقیده آنان ازدواج مسئولیت‌آفرین است و شخص را مقید می‌سازد. در نتیجه، سن ازدواج بالا رفته و پسران و دختران برخلاف میل طبیعی، خویشتن را ملزم می‌دانند که ازدواج را تا پایان دوره تحصیلات به تاخیر بیندازند (امینی، ۱۳۹۲: ۲۵).

داشتن یک زندگی قابل قبول و متناسب با توقعات جامعه در جوامع جدید، اغلب مستلزم گذراندن یک دوره بلند مدت تحصیلی است. کسب مدارک تحصیلی، موجب اعتبار اجتماعی و اقتصادی افراد می‌گردد و زمینه‌استخدام آسان‌تر آن‌ها را در مراکز اداری، کارخانه‌ها و غیره فراهم می‌کند. بنابراین، جوانان و مخصوصاً پسران برای آن که بتوانند در آینده از موقعیت اجتماعی و اقتصادی بهتری برخوردار شوند، ناگزیرند دهه سوم زندگی خود را نیز برای تحصیل صرف کنند، تحصیلات عالی برای زنان بیشتر از این جهت اهمیت یافته که موقعیت اجتماعی آنان را افزایش می‌دهد. زنانی که تحصیلات بالاتری دارند، معمولاً می‌توانند با مردانی ازدواج کنند که از موقعیت اجتماعی و اقتصادی بالاتری برخوردارند (بستان، ۱۳۸۹: ۱۲). بالا رفتن جرایم و آسیب‌های اجتماعی و خانوادگی مانند اعتیاد، بی‌بند و باری، همسر آزاری، طلاق، روابط سرد همسران، دخالت اطرافیان و مانند آن، نه تنها موجب از هم‌پاشیدگی خانواده‌ها شده، بلکه موجب سلب اعتماد جوانان از ازدواج گردیده و سبب شده‌است جوان امروز به ازدواج به عنوان عامل خوشبختی نگاه نکنند (رجبی، ۱۳۸۶: ۱۴۵).

تجربیات زندگی دیگران در امر زناشویی، می‌تواند در انسان شوق و جاذبه یا تنفر و دافعه ایجاد نماید. تجربیات شیرین، همراه با تفاهم و همدلی در زندگی افراد، اشتیاق به تشکیل زندگی را در دیگران تقویت می‌کند. بالعکس شکست‌ها، منازعات و اختلافات در میان برخی از خانواده‌ها به ویژه در میان زوج‌های جوان، وحشت و تنفر از ازدواج را موجب می‌شود (درخشان، ۱۳۸۳: ۱۵۰).

فضایی که یک جوان در آن پرورش پیدا می‌کند با تنوع رفتارهای همراه است. تمامی رفتارهای حاکم در خانواده، بر نحوه زندگی او اثر گذار می‌باشد. آزادی‌ها، نوع معاشرت، آداب حاکم بر خانواده، برخوردها، احساسات، عواطف، گزینش‌ها، وظیفه‌شناسی، تقید یا عدم تقید و ... از جمله رفتارهایی هستند که هر چند ساده و سطحی به نظر می‌آیند، اما هر کدام می‌توانند منشا تحولاتی عظیم در زندگی باشند. مثلاً، پیوند جوانی که در یک خانواده مقید و منضبط تربیت یافته با جوانی که از تعهد و تقید لازم و چندان برخوردار نیست، نمی‌تواند یک پیوند پایدار باشد. تنوع‌های رفتاری موجود در هر فضای تربیتی، موجب پدید آمدن شخصیتی می‌شود که برآیند رفتارها در آن فضای خاص را دارا می‌باشد. بنابراین فضاهای تربیتی حاکم بر

خانواده‌ها نیز می‌توانند موانعی برای ازدواج محسوب شوند (همان، ۱۳۸۳: ۱۵۱). در یک ارزیابی کلی، با توجه به تنوع الگوهای ازدواج در گستره زمان، فرهنگ‌ها و نگرش‌های ارزشی گوناگون نسبت به هر یک از این الگوها، به نظر می‌رسد ارائه تعریفی جامع از این پدیده بسیار دشوار باشد. نمونه‌هایی از قبیل مشروعیت چندهمسری در بسیاری از جوامع، مشروعیت ازدواج موقت در اسلام، تایید ازدواج دو همجنس از سوی برخی نخله‌های جدید و نیز برخی دولت‌های غربی و ظهور کمون‌های جنسی در برخی جوامع، جامعیت تعاریف مرسوم ازدواج را نقض می‌کند. حتی برخی تمایل دارند همخانگی یا زندگی مشترک زن و مرد بدون عقد ازدواج^۱ را که عادتاً به عنوان الگویی مقابل ازدواج مطرح می‌شود، در قالب مفهوم ازدواج بگنجانند. آن‌ها با استناد به این که زوج‌های هم‌خانه معمولاً روابط درازمدتی با یکدیگر دارند و در دهه‌های اخیر به تدریج از حقوق زن و شوهرها نیز برخوردار گردیده‌اند، ادعای تغییر مفهوم ازدواج را مطرح می‌کنند (لاوسون و دیگری، ۲۰۰۱: ۱۴۶).

اگرچه زندگی اجتماعی یکی از ضروریات حیات انسان است، به گونه‌ای که بشر بدون اجتماع قادر به ادامه زندگی نیست، ولی با این حال اگر در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اداره جامعه، دقت کافی نشود، مشکلات زیادی به وجود می‌آید. از جمله این مشکلات عبارتند از: انحرافات اخلاقی پسران، بی‌اعتمادی دختران نسبت به پسران، عدم مسئولیت‌پذیری دختران و ایده‌آل‌گرایی آن‌ها نسبت به داشتن حداکثر معیارهای لازم در پسران.

عوامل اقتصادی

یکی از مهم‌ترین دلایل بالا رفتن سن ازدواج جوانان، عوامل اقتصادی است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد. یکی از موانع مهم ازدواج، بیکاری است. با این که گزینه جنسی در جوانان بسیار نیرومند است و آنان را به سوی ازدواج و تشکیل خانواده دعوت می‌کند، اما وقتی بیکار و بی‌درآمد باشند و توانایی تامین هزینه‌های ازدواج و زندگی آینده را نداشته باشند، نمی‌توانند به موقع ازدواج کنند و ناچارند گزینه جنسی را سرکوب کنند و ازدواج را تا پیدا کردن شغل و درآمد مناسب به تاخیر بیندازند. متأسفانه به دلیل جوانی جمعیت، مشاغل محدود و تقاضای زیاد جوانان برای کار، کشور ما با مشکل بیکاری مواجه است. بنابراین می‌توان یکی از مهم‌ترین موانع ازدواج را بیکاری جوانان کشور دانست (امینی، ۱۳۹۲: ۴۸).

بدین ترتیب داشتن شغل مناسب در سن ازدواج موثر است. جوانان غالباً زمانی ازدواج می‌کنند که یقین داشته باشند از عهده تامین معاش خانواده طبق آداب و رسوم طبقه اجتماعی خود بر خواهند آمد و چون افراد نمی‌توانند در سنین معینی مثلاً بیست تا بیست و پنج سالگی درآمد کافی داشته باشند، لذا نوع شغل اهمیت پیدا می‌کند و به‌عنوان مانعی اساسی فراروی ازدواج جوانان قرار می‌گیرد. در جامعه کنونی ما نیز

^۱ Cohabitation

نظام مشاغل جدید در برابر مشاغل سنتی آن‌طور طراحی شده که عموماً از کانال نظام آموزشی می‌گذرد که خود مستلزم گذراندن سال‌های طولانی آموزش می‌باشد و باعث بالا رفتن سن ازدواج افراد می‌شود (مجدالدین و دیگری، ۱۳۸۶: ۱۴۲).

جوانان زیادی اعم از بی‌سواد، کم‌سواد یا فارغ‌التحصیل دانشگاهی وجود دارند که به سن ازدواج رسیده‌اند، اما کار مناسبی ندارند. این افراد برای زندگی روزمره خود یا چشم به کمک پدر و مادر دوخته‌اند و یا به کارهای نامناسبی نظیر دلالی، سیگارفروشی و ... و یا در مورد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به مشاغل غیر تخصصی نظیر منشیگری، فروشنده‌گی و مشاغل کم درآمد دیگر اشتغال ورزیده‌اند و به هیچ وجه امکان تشکیل خانواده و تامین هزینه‌های زندگی را ندارند. در نتیجه با حالت یاس و ناامیدی، با وجود احساس نیاز و علاقه، با مشکلات ازدواج مواجه می‌شوند و فرضاً اگر با چنین شرایطی ازدواجی انجام گیرد، نهایت آن ناسازگاری و طلاق خواهد بود (حسینی، ۱۳۹۱: ۱۶۷).

عوامل فرهنگی

گرچه کشور ما از یک فرهنگ غنی برخوردار است، اما به دلایلی هم‌چون نفوذ فرهنگ غرب و مانند آن، نقش فرهنگ اصیل کشورمان کمرنگ شده است. عوامل فرهنگی را می‌توان از چند جهت در بالا رفتن سن ازدواج موثر دانست.

برخی بر این باورند که ازدواج باعث ایجاد محدودیت در بسیاری از خواسته‌ها و نیازهای آنان می‌شود. از این رو، این افراد ترجیح می‌دهند مجرد و آزادانه زندگی کنند. این گرایش تنها مختص پسران نیست، برخی از دختران نیز ازدواج را نوعی محدودیت و موجب سلب آزادی‌های فردی خود می‌دانند. شاید بیشتر افرادی که ازدواج را عامل محدودکننده آزادی‌های فردی می‌دانند، فلسفه و حقیقت ازدواج را به خوبی درک نکرده و مدافع آزادی به معنای غربی آن می‌باشند. به نظر می‌رسد بین افزایش سن ازدواج و انحرافات اخلاقی رابطه‌ای دو سویه برقرار است. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که روابط آزاد بین دختر و پسر و امکان ارضای جنسی، نیاز به ازدواج را در بین آن‌ها کمرنگ کرده است. در تحقیقی که مشکلات و موانع ازدواج جوانان و به ویژه دختران مورد بررسی قرار گرفته، به این نکته اشاره شده است که برخی جوانان برای ارضای غریز طبیعی خود به ارتباط با جنس مخالف بسنده می‌کنند، از این رو روابط آزاد دختر و پسر و وجود زمینه‌های انحرافی یکی از عوامل افزایش سن ازدواج عنوان شده است. با توجه به این تحقیق، روابط آزاد دختر و پسر و امکان بهره‌گیری جنسی بدون ازدواج که مسئولیت‌چندانی برعهده فرد نمی‌گذارد، خود یکی از عوامل افزایش سن ازدواج جوانان است (شجاعی، ۱۳۸۴: ۴۹).

تایلر در کتاب جوامع ابتدایی (۱۸۷۱) فرهنگ را چنین تعریف می‌کند: "فرهنگ، مجموعه پیچیده‌ای از معارف، اعتقادات، هنرها، صنایع، تکنیک‌ها، اخلاق، قوانین، سنت‌ها و بالاخره تمام عادت‌ها، رفتارها و ضوابطی است که انسان به عنوان عضو جامعه آن را از جامعه خود فرا می‌گیرد و در قبال انجام تعهداتی

به عهده دارد. این خرده نظام از طریق مدرسه و خانواده در جهت بیان و انتقال فرهنگ و باورهای جامعه به افراد عمل می‌کند. مجموعه این فرایندها که به مدد آنها اجتماعی شدن افراد تحقق می‌یابد، در حکم حفظ الگو هستند (کرایب، ۱۳۷۸: ۵۹).

پیشینه تحقیق

همیلتون^۱ و سیون^۲ (۲۰۰۷) در مقاله‌ای تحت عنوان: "طبقه، جنسیت و ازدواج" نقش عوامل اجتماعی را در افزایش تقاضا برای ازدواج بین مردان و زنان موثر دانستند و به این نتیجه رسیدند که تقاضای ازدواج برای افراد بستگی به وضعیت اقتصادی، اجتماعی افراد دارد. به اظهار وی براساس تحقیقات محققانی مانند فرگوسن^۳، گولد شرو^۴ و ویت^۵ دو عاملی که در تأخیر زمان ازدواج و عدم ازدواج زنان تأثیر بسیار داشته است عبارت‌اند از: تلاش برای تحصیلات بالاتر و شغل مناسب است.

لیندسی^۶ (۲۰۰۳) خاطر نشان می‌سازد که تا سال ۱۹۴۵ چنین تصور می‌شد که زنان بعد از اتمام تحصیلات ازدواج می‌کنند، اما اکنون که به آزادی بیشتری دست یافته‌اند، سن ازدواج آنان از ۳۰ سال نیز فراتر رفته است.

مک دونالد^۷ و هیول^۸ (۱۹۹۴) در مورد علل افزایش سن ازدواج چنین اظهار می‌کنند که تحصیلات عالی و اشتغال زنان با تأخیر ازدواج همبستگی مثبت و مستقیم نشان می‌دهد.

در بررسی "عوامل موثر در تأخیر ازدواج جوانان بین ۲۵ تا ۳۹ ساله مجرد در منطقه ۲۱ تهران" مقدس‌زاده اردبیلی (۱۳۹۱) به نتایج زیر دست یافت: وضعیت اقتصادی خانواده (نداشتن وضعیت مالی مناسب، عدم توانایی خانواده دختر در تأمین جهیزیه)، تأثیرپذیری از فرهنگ غربی، آداب و سنن دست و پاگیر (دخالت نابجای خانواده، مهریه، آداب و سنن)، ناهنجاری‌های اجتماعی (وجود فساد و فحشا در جامعه، کوتاهی خانواده‌ها، دوستی‌های خیابانی، ترس از خیانت همسر، ارضای نامشروع نیازهای جنسی)، عوامل اجتماعی (شرایط اجتماعی، برنامه‌های دولت، رسانه‌های گروهی، مشکل سربازی، تجمل‌گرایی و زیاده خواهی جوانان، انتخاب همسر بدون دخالت واسطه) وضعیت روانی جوانان (عدم پذیرش مسئولیت زندگی، وضعیت دخترها و پسرها) در تأخیر ازدواج جوانان نقش موثری دارند.

1. Hamilton

2. Siowen

3. Ferguson

4. Goldsher

5. Veat

6. Lindsei

7. Macdonald

8. Haeool

پورگنابی و غفاری (۱۳۹۰) علل افزایش سن ازدواج دختران در پنج شهر ایران (تهران، ساری، خرم‌آباد، مشهد و سمنجان) را مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها در این تحقیق دریافتند که دخترانی که دیرتر ازدواج می‌کنند از تحصیلات بالاتری برخوردارند و نگرشی فرامادی به ازدواج دارند و اعتقاد دارند که با ازدواج، هزینه فرصت‌های از دست رفته بیش از فرصت ازدواج است.

سپیدنامه (۱۳۸۸) در تحقیقی که به بررسی مهم‌ترین موانع ازدواج جوانان استان ایلام پرداخته، این موانع را بدین ترتیب بیان کرده‌اند: ۱. موانع اقتصادی، ۲. موانع اجتماعی، ۳. موانع فرهنگی، ۴. موانع سازمانی و دولتی و ۵. موانع فردی. در ادامه این موانع با ذکر مهم‌ترین موارد بیان می‌شوند. موانع اقتصادی شامل: مساله اشتغال، مسکن، هزینه‌های قبل و بعد از ازدواج. موانع اجتماعی شامل: از دست دادن فرصت‌های شغلی به قصد یافتن مشاغل با جایگاه اجتماعی بالا از سوی مردان، افزایش سطح تحصیلات زنان و سخت‌گیری خانواده‌ها در انتخاب همسر. موانع فرهنگی شامل: تعیین مهریه سنگین، توقعات بالای خانواده‌ها، قاعده ازدواج بر اساس نوبت سنی در فرزندان همجنس و رسوم دست و پا گیر. موانع سازمانی و دولتی شامل: نبود مکان‌های مناسب و تعریف شده جهت آشنایی جوانان، ناکارآمدی نهادهای متولی امر ازدواج جوانان و گسترش روابط آزاد جنسی، ناکارآمدی رسانه‌ها در الگو بخشی و در پایان، موانع فردی ازدواج جوانان، سخت‌گیری و وسواس در انتخاب همسر می‌باشد.

در رابطه با عوامل بالا رفتن سن ازدواج نظریه‌های مختلفی ارائه شده‌است که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

تئوری کارکردگرایی ساختاری تالکوت پارسنز

یکی از اصلی‌ترین نظریاتی که جامعه‌شناسان در تحلیل مسایل خانوادگی به آن توجه داشته‌اند، نظریه کارکردگرایی ساختاری است. این نظریه توجه ما را به چگونگی شکل‌گیری رفتارهای فردی به وسیله ساختارها متمرکز می‌کند. اگرچه افراد امکان انتخاب برای عمل دارند، ولی انتخاب‌ها از طریق ساختارها شکل داده می‌شود. در مدل پارسنز چهار خرده نظام فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نظام یافته است که در ارتباط با یکدیگر هستند و به ترتیب عهده‌دار کارکرد حفظ و تداوم الگوها، نیل به اهداف، انطباق با شرایط محیطی، ایجاد یگانگی و انسجام اجتماعی می‌باشند (صدیق اورعی، ۱۳۸۷: ۳۹).

نظریه پایان پدربسالاری کاستلز

کاستلز اعتقاد دارد: انقلابی در حال وقوع است، اما نه انقلابی که نهضت‌های دهه شصت و هفتاد را اعلام و دنبال کرده‌اند. البته در این نهضت‌ها عوامل مهمی در توجه انقلاب جنسی به واقع موجود بوده است. ویژگی این انقلاب از هم گسیختن پیوندهای ازدواج، خانواده، ناهمجنس‌گرایی و نیاز جنسی است.

این چهار عامل که طی دو قرن گذشته تحت شرایط پدرسالاری مدرن به هم پیوسته‌اند، اکنون فرایند مستقل شدن رامی‌گذرانند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۸۲).

نظریه مدرنیزاسیون ویلیام گود

طبق نظر ویلیام گود زمان ازدواج جوانان از مدرنیزاسیون در سطوح فردی و اجتماعی تاثیر می‌پذیرد. از بین مهم‌ترین فاکتورهای مدرنیزاسیون می‌توان به گسترش فرصت‌های تحصیلی، تغییر کار و فعالیت‌های شغلی، اشتغال زنان و شهرنشینی اشاره کرد. ازدواج در مناطق شهری به دلیل شیوه‌های متفاوت زندگی و نیز کنترل اجتماعی ضعیف‌تر نسبت به مناطق روستایی، با تاخیر صورت می‌گیرد (احمدی، ۱۳۸۹). ویلیام گود بر اساس این تئوری، دگرگونی‌های به وجود آمده در خانواده را نتیجه اجتناب‌ناپذیر دگرگونی‌های ساختاری (جامعه) و دگرگونی‌های ایدئولوژیکی می‌داند. به عقیده وی زمانی که دگرگونی‌های ساختاری و ایدئولوژیکی در سطح کلان (دگرگونی‌هایی مانند صنعتی‌شدن، شهرنشینی و ...) رخ می‌دهد، سازمان‌های سطوح خرد (خانواده) نیز اجباراً باید خود را با این دگرگونی‌ها انطباق دهند (اعزازی، ۱۳۸۵: ۱۷).

تئوری گزینش معقولانه هکتور

تمایز اساسی میان این تئوری با سایر تئوری‌های مطرح در خصوص ازدواج این است که اکثر نظریات بیشتر به ازدواج به عنوان یک عمل اخلاقی می‌نگرند، اما این تئوری بیشتر به ازدواج از دیدگاه فایده-گرایانه می‌نگرد. متفکرانی که بر اساس تئوری گزینش معقولانه به تبیین عمل جمعی می‌پردازند، بر این باورند که مردم به رفتارهایی تمایل دارند که نفع آن‌ها در آن رفتار بیشتر تامین می‌شود. این تئوری معتقد است این افراد آگاه و هدف‌مند در هر شرایطی به دنبال بیشینه کردن سود خود هستند (لیتل، ۱۳۷۳: ۶۹).

تئوری نوگرایی آنتونی گیدنز

به اعتقاد گیدنز خانواده در سراسر جهان درجهت‌های مشخصی در حال تغییر است. او نام این تحول را جهت‌های تغییر گذاشته است. اگر چه خود گیدنز اشاره می‌کند که ایران در خلال انقلاب اسلامی برخلاف مسیر تحول در سراسر جهان حرکت کرده است، اما اعتقاد دارد که این امر، امری استثنایی است. اشکال دیدگاه گیدنز این است که او انقلاب اسلامی را نتیجه بازگشت به ارزش‌های سنتی می‌داند، در صورتی که تحولات سالیان اخیر نشان داده که جهت‌های تغییر در ایران نیز مشابه غرب و سایر جوامع بشری بوده است. از دیدگاه این محقق جهت‌های تغییر عبارتند از:

۱. کلان‌ها و دیگر گروه‌های خویشاوندی به هم پیوسته نفوذ خود را از دست می‌دهند.

۲. روندی کلی در جهت انتخاب آزادانه همسر مشاهده می‌شود.

۳. حقوق زنان هم از نظر حق انتخاب در ازدواج و هم تصمیم‌گیری در خانواده بیش از پیش به رسمیت شناخته می‌شود.

۴. بیشتر ازدواج‌ها در فرهنگ‌های سنتی، ازدواج‌های خویشاوندی بوده که عموماً این گرایش روز به روز کم‌رنگ‌تر می‌شود.

۵. آزادی جنسی در جوامعی که بسیار سخت‌گیر بوده رواج یافته و گاهی این فرایند پیشرفت زیادی نکرده و تغییراتی در جهت معکوس نیز رخ داده‌است. مانند آن‌چه پس از انقلاب اسلامی ایران، اواخر دهه ۷۰، روی داد (مقامات مسئول ایران در صدد برآمده‌اند قوانین و رسومی که آزادی جنسی را محدود می‌سازد، احیا کنند) با این همه این‌گونه موارد استثنایی هستند.

از آن چه گیدنز درباره جهت‌های تغییر اظهار کرده، می‌توان ارتباطاتی را با تحولات ازدواج در ایران پی گرفت:

۱. در ایران نیز از اثر و نفوذ گروه‌های خویشاوندی کاسته شده است.

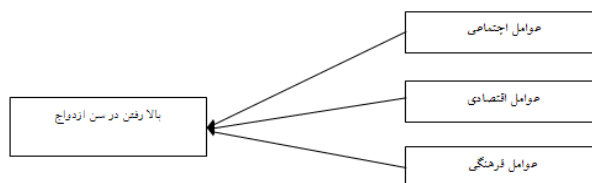
۲. روند کلی در جهت انتخاب آزادانه همسر مشاهده می‌شود.

۳. حقوق زنان در انتخاب همسر و تصمیم‌گیری پدر خانواده بیش از پیش به رسمیت شناخته می‌شود.

۴. از نسبت ازدواج‌های خویشاوندی به شدت کاسته شده‌است.

۵. بر میزان آزادی‌های جنسی افزوده شده‌است (احمدی، ۱۳۸۹: ۵۲).

باتوجه به پیشینه‌ها و نظریات مطرح شده مدل تحلیلی زیر برای تحقیق حاضر در نظر گرفته شده است.



شکل شماره (۱): مدل تحلیلی بالا رفتن سن ازدواج دانشجویان دختر

روش تحقیق

این تحقیق از لحاظ اجرایی، تحقیقی کاربردی و از لحاظ زمانی جزء تحقیق‌های مقطعی و با توجه به میزان ژرفایی، جزء تحقیق‌های پهنانگر می‌باشد. جامعه آماری، دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ بوده و بر اساس اعلام معاونت دانشجویی دانشگاه، تعداد این دانشجویان ۴۶۳۱ نفر بوده است که در ۳ دانشکده مشغول به تحصیل بوده‌اند. براساس فرمول کوکران تعداد ۳۶۴ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. برای نمونه‌گیری از روش خوشه‌ای استفاده شد. ابزار تحقیق در این

پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بود که اعتبار آن به صورت صوری و پایایی آن از طریق پیش‌آزمون در مجموع ۰/۸۷ به دست آمد که در جدول (۱)، نتیجه مشروح آزمون آلفای کرونباخ مشاهده می‌شود.

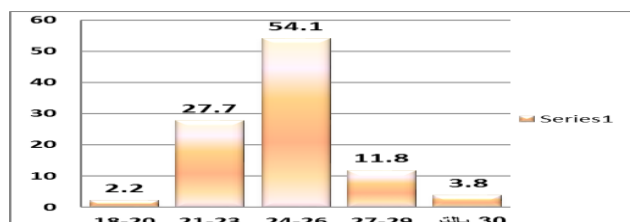
جدول شماره (۱): نتایج آزمون آلفای کرونباخ

| متغیر | مقدار آلفا |
|--------------|------------|
| عامل اقتصادی | ۰/۷۲ |
| عامل اجتماعی | ۰/۷۷ |
| عامل فرهنگی | ۰/۷۱ |
| جمع | ۰/۸۷ |

یافته‌های تحقیق

در بررسی حاضر ۳۶۴ نفر از دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه مورد بررسی قرار گرفتند. جوان‌ترین دانشجو، ۱۸ سال و مسن‌ترین دانشجو، ۴۸ سال داشت. رشته تحصیلی ۵۰/۸۲٪ از این دانشجویان علوم پایه، ۲۸٪ فنی و مهندسی و ۲۱/۲٪ دامپزشکی و پیراپزشکی بود. در این میان از نظر وضعیت اقتصادی، ۵۳/۸٪ خانواده‌های این دانشجویان در سطح متوسط به پایین، ۲۳/۹٪ در سطح متوسط و ۲۲/۳٪ در سطح بالاتر از متوسط قرار داشتند.

در پرسشنامه تحقیق حاضر جهت اطلاع از سن مناسب ازدواج از نظر پاسخگویان، پرسش مستقلی در نظر گرفته شد که در نمودار شماره (۱) و جدول شماره (۲)، نتایج به صورت توصیفی آمده است. طبق این یافته، ۲/۲ درصد از پاسخگویان سن ایده‌آل ازدواج را بین سنین ۱۸-۲۰ سالگی، ۲۷/۷ درصد بین ۲۱-۲۳ سالگی، ۵۴/۱ درصد بین ۲۴-۲۶ سالگی، ۱۱/۸ درصد بین ۲۷-۲۹ سالگی و فقط ۳/۸ درصد سن ایده‌آل ازدواج را ۳۰ سالگی به بالا گزارش نمودند. می‌توان نتیجه گرفت که پاسخگویان سن ۳۰ سالگی به بعد را سن بالایی برای ازدواج می‌دانند.



نمودار شماره (۲): سن ایده‌آل ازدواج از دیدگاه پاسخگویان

جدول شماره (۲): سن ایده‌آل ازدواج از نظر پاسخگویان

| گروه سنی | فراوانی | درصد |
|------------|---------|------|
| ۱۸-۲۰ | ۸ | ۲/۲ |
| ۲۱-۲۳ | ۱۰۱ | ۲۷/۷ |
| ۲۴-۲۶ | ۱۹۷ | ۵۴/۱ |
| ۲۷-۲۹ | ۴۳ | ۱۱/۸ |
| ۳۰ به بالا | ۱۴ | ۳/۸ |
| تعداد کل | ۳۶۳ | ۹۹/۷ |

بررسی نتایج آزمون فریدمن در پاسخ به این پرسش که کدام یک از عوامل سه‌گانه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، از نظر دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه مهم‌ترین عامل بالا رفتن سن ازدواج است؟ نتایج جدول شماره (۳) به دست آمد. همان طور که ملاحظه می‌گردد، ۰/۷۷ دانشجویان عامل اجتماعی را مهم‌ترین عامل بالا رفتن سن ازدواج دانسته‌اند.

جدول شماره (۳): نتایج آزمون فریدمن. اولویت‌بندی عوامل سه‌گانه در بالا رفتن سن ازدواج

| عوامل | Mean Rank | میانگین | انحراف معیار | df | χ^2 | P | قضایات |
|--------------|-----------|---------|--------------|----|----------|-----|--------|
| عامل اجتماعی | ۱/۹۶ | ۳/۹۵ | ۰/۷۷ | | | | |
| عامل اقتصادی | ۲/۳۰ | ۴/۱۹ | ۰/۶۸ | ۳ | ۱۰۵/۷۶ | ۰۰۰ | H_1 |
| عامل فرهنگی | ۱/۷۴ | ۳/۷۶ | ۰/۶۷ | | | | پذیرش |

برای سنجش رابطه بین تحصیلات مادر پاسخگویان و مجموع عوامل سه‌گانه (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) بالا رفتن سن ازدواج از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد که رابطه معناداری مشاهده نگردید.

جدول شماره (۴): ضریب همبستگی بین تحصیلات مادر

و مجموع عوامل سه‌گانه بالا رفتن سن ازدواج

| متغیر | تحصیلات مادر |
|---------------------|---------------------|
| مجموع عوامل سه‌گانه | ضریب همبستگی ۰/۰۲ |
| | سطح معناداری ۰/۶۷ |
| | تعداد پاسخگویان ۳۶۴ |

برای سنجش رابطه میزان تحصیلات پدر و مجموع عوامل سه‌گانه (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی) بالا رفتن سن ازدواج، از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده گردید. همان طور که در جدول شماره (۵) نشان داده شده‌است، رابطه معناداری بین این دو مشاهده نمی‌شود.

جدول شماره (۵): ضریب همبستگی بین تحصیلات پدر و**مجموع عوامل سه‌گانه بالا رفتن سن ازدواج**

| متغیر | تحصیلات پدر |
|---------------------|---------------------|
| مجموع عوامل سه‌گانه | ضریب همبستگی ۰/۰۰۴ |
| | سطح معناداری ۰/۹۳ |
| | تعداد پاسخگویان ۳۶۴ |

جهت سنجش تفاوت هریک از عوامل سه‌گانه بالا رفتن سن ازدواج با وضعیت اشتغال از آزمون T استفاده گردید. طبق جدول شماره (۶)، نتایج مقایسه میانگین نمرات عوامل سه‌گانه (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) در رابطه با وضعیت اشتغال، نتایج معناداری مشاهده نشد. لذا بین وضعیت اشتغال دانشجویان و نمره‌های عوامل سه‌گانه ارتباط آماری معناداری وجود ندارد.

جدول شماره (۶): مقایسه میانگین نمره‌های عوامل سه‌گانه (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) در رابطه با وضعیت اشتغال پاسخگویان

| عوامل | اشتغال | تعداد | میانگین | انحراف معیار | t | df | sig |
|---------|--------|-------|---------|--------------|-------|-------|-------|
| اجتماعی | شاغل | ۴۲ | ۴۶/۳۵ | ۶/۳۳ | -۱/۴۵ | ۵۰/۸۳ | ۰/۲۶۴ |
| | بیکار | ۳۲۱ | ۴۷/۸۳ | ۵/۸۲ | | | |
| اقتصادی | شاغل | ۴۲ | ۳۰/۵۲ | ۴/۴۲ | ۰/۳۷ | ۵۲/۹۵ | ۰/۲۹ |
| | بیکار | ۳۲۲ | ۳۰/۲۴ | ۴/۵۴ | | | |
| فرهنگی | شاغل | ۴۲ | ۴۲/۹۲ | ۶/۰۵ | -۰/۶۶ | ۵۲/۰۵ | ۰/۸۲ |
| | بیکار | ۳۲۲ | ۴۳/۵۹ | ۶/۳۵ | | | |

نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه، اولین عامل تاثیرگذار بر بالا رفتن سن ازدواج را عامل اجتماعی، سپس اقتصادی و نهایتاً فرهنگی می‌دانند. نتیجه تحقیق حاضر مبنی بر این که عامل اجتماعی مهم‌ترین عامل تاخیر در سن ازدواج است، همسو با یافته‌های مرادی، صفاریان (۱۳۸۸) و مقدس‌زاده اردبیلی (۱۳۹۱) می‌باشد.

در اولویت‌بندی عوامل اصلی سه‌گانه، عوامل فرعی (که زیر گروه عوامل اصلی به شمار می‌آیند) نیز رتبه‌بندی شدند که به علت حجم زیاد از آوردن مشروح آن در متن مقاله خودداری کردیم و ناچار در این بخش خلاصه‌ای از آن را ارائه می‌نماییم.

مطابق پاسخ نمونه‌های تحقیق نتایج زیر به دست آمد:

در زیرمجموعه عوامل اجتماعی، انحرافات اخلاقی پسران و بی‌اعتمادی به پسران، مهم‌ترین عوامل بازدارنده ازدواج به موقع قلمداد شده‌اند. در زیرمجموعه عوامل اقتصادی، مهم‌ترین ملاک، داشتن شغل و ثبات اقتصادی بوده است. با توجه به تحول در الگوهای ارزشی و دادن اهمیتی ویژه به مادیات، بالا بودن

مه‌ریه، پشتوانه‌ای مالی در نظر گرفته می‌شود. هم‌چنین کانسیتیل شیل شرایط حاد اقتصادی را دلیلی برای افزایش سن ازدواج می‌داند. در آمریکا به دلیل فشار اقتصادی در سال‌های ۱۹۳۲-۱۹۳۰ نرخ ازدواج به ۱۳٪ کاهش یافت. کاکاشه (۱۳۹۰) در تحقیق خود در بررسی ازدواج جوانان به اثرگذاری بیشتر عامل اقتصادی در مقایسه با سایر عوامل اشاره کرده است. یافته‌های تحقیق حاضر نیز با یافته‌های مقدس‌زاده اردبیلی (۱۳۹۱)، سپیدنامه (۱۳۸۸) و صفاری و مرادیان (۱۳۸۸) همسو می‌باشد. در زیرمجموعه عامل فرهنگی، ناامیدی جوانان به آینده، طرح الگوی ازدواج موقت و وسواس در انتخاب همسر، چندهمسری و ایجاد بی‌اعتمادی در زنان به عنوان مهم‌ترین عوامل بازدارنده ازدواج به موقع مطرح شده‌اند. یافته‌های این تحقیق با یافته‌های میری و همکاران (۱۳۷۴)، شکیبی و آقاخانی (۱۳۸۲)، ضرابی و مصطفوی (۱۳۹۰)، اسکندری چراتی (۱۳۸۸)، ربانی و سارانی (۱۳۸۰) و شجاعی (۱۳۸۰) همسو می‌باشد.

از مقایسه نتایج حاصل از آزمون رابطه سطح تحصیلات پدر و مادر به طور مجزا با مجموع عوامل سه‌گانه ازدواج رابطه معناداری به دست نیامد و این یافته با یافته‌های سپیدنامه (۱۳۸۸) همسو می‌باشد.

پیشنهادها

با توجه به یافته‌های تحقیق موارد زیر پیشنهاد می‌شوند:

- افزایش سطح آگاهی و اطلاعات جوانان و خانواده‌ها در مورد ازدواج و مزایای مرتبط با آن و همین‌طور خطرات ناشی از بالا رفتن سن ازدواج.
- برخورداری جوانان از حمایت‌های تحصیلی در دوران تحصیلات دانشگاهی.
- حمایت همه‌جانبه دولت از جوانان در سن ازدواج.
- ساخت مسکن‌های ارزان قیمت و واگذاری آن به جوانان به صورت استیجاری و یا به شرط تملیک.
- اطلاع‌رسانی مناسب از طریق رسانه‌های جمعی در مورد ازدواج آسان، آگاهانه و به هنگام.
- نمونه تحقیق صورت گرفته در بین دانشجویان دختر می‌باشد، لازم است این تحقیق بین دانشجویان پسر نیز انجام گیرد.

منابع

- آزاد ارمکی، ت. (۱۳۸۶). **جامعه‌شناسی خانواده ایرانی**. تهران: انتشارات سمت.
- احمدی، ا. (۱۳۸۹). **تنگنا و تاخیر در ایران**. تهران: نشر راه‌دان.
- اسکندری چراتی، آ. (۱۳۸۸). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تاخیر سن ازدواج در ایران با تاکید بر استان گلستان. **فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی**. سال چهارم، شماره سوم، ناشر: دانشگاه آزاد آشتیان.
- اعزاز، ش. (۱۳۸۵). **جامعه‌شناسی خانواده با تاکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر**. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- امینی، ا. (۱۳۹۰). **ازدواج، موانع و راه‌حل‌ها**. قم: موسسه بوستان کتاب.
- بستان نجفی، ح. (۱۳۸۹). **اسلام و جامعه‌شناسی خانواده**. قم: انتشارات سبحان.

- به‌پژوه، ا. (۱۳۸۹). آسیب‌شناسی خانواده. **مجله پیوند**. شماره ۳۷۵، صص ۲۴-۲۰.
- حسینی، م. (۱۳۹۱). **آموزش و مشاوره قبل از ازدواج**. تهران: نشر آوای نور.
- درخشان، ب. (۱۳۸۳). موانع و راهکارهای ازدواج. **مجموعه مقالات همایش ازدواج دانشجویی، راهکارها و چالش‌ها**. کاشان: انتشارات مرسل.
- رجبی، ع. (۱۳۸۶). سن ازدواج، عوامل افزایش و راهبردهای کاهش آن. **مجله معرفت**. شماره ۱۱۲، صص ۱۵۴-۱۴۳.
- رحیمی، ا. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی بالا رفتن سن ازدواج. **روزنامه جام‌جم**. شماره ۱۰۹۲۷۱.
- ساروخانی، ب. (۱۳۸۵). **دایرةالمعارف علوم اجتماعی**. تهران: نشر کیهان.
- شجاعی، م. (۱۳۸۴). تحلیل روان‌شناختی افزایش سن ازدواج و نقش آن در انحرافات اخلاقی جوانان. **مجله معرفت**. شماره ۹۷، صص ۴۶-۵۳.
- صدیق‌اورعی، غ. (۱۳۷۸). **مسایل اجتماعی جوانان**. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- کاستلز، م. (۱۳۸۰). **عصر اطلاعات قدرت و هویت**. ترجمه: ح، چاوشیان. تهران: انتشارات طرح نو.
- کرایب، ی. (۱۳۷۸). **نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس**. ترجمه: ع، مخبر. تهران: انتشارات آگاه.
- لیتل، د. (۱۳۷۳). **تبیین در علوم اجتماعی، درآمدی به فلسفه علم الاجتماع**. ترجمه: ع، سروش. تهران: نشر صراط.
- مجدالدین، ا؛ و دیگری. (۱۳۸۶). بررسی دلایل و آثار افزایش سن ازدواج دختران روستایی در آشتیان. **مجله شناخت**. شماره ۵۳، صص ۳۸۶-۳۷۵.
- میشل، آ. (۱۳۷۸). **جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج**. ترجمه: ف، اردلان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- Karlsson, G. (1963). **Ada probability and communication marriage totow**. beamibster press.
- Lawson, T. (2001). **Dictionary of Sociology**. London and Chicago: Fitzroy Dearborn Publishers.